

<p>محل الصاق عکس</p>	<p>گزارش چکیده پایان نامه / رساله فارسی و انگلیسی</p>						 دانشگاه خوارزمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی
<p>۱۴۰۱/۱۱/۳۰</p>	<p>تاریخ دفاع:</p>	<p>کارشناسی ارشد</p>	<p>مقطع تحصیلی:</p>	<p>علوم سیاسی</p>	<p>رشته تحصیلی:</p>	<p>معین کمشکی</p>	<p>نام و نام خانوادگی دانشجو:</p>
<p>دکتر قاسمی</p>			<p>نام استاد/ اساتید داور</p>	<p>دکتر قدیر نصری</p>	<p>نام استاد مشاور</p>	<p>دکتر مهدی براتعلی پور</p>	<p>نام استاد راهنما</p>
<p>ناآرامی‌های سیاسی در رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی (مورد مطالعاتی؛ ایران)</p>							<p>عنوان پایان نامه/ ساله:</p>
<p>اقتدارگرایی معاصر را با عنوان «اقتدارگرایی انتخاباتی» می‌توان درک و فهم کرد؛ ساده‌ترین تعریف این نوع از اقتدارگرایی، چنین تعریف می‌شود: «زمانی که یک روکش دموکراتیک، نمای حکومت استبدادی را بپوشاند». به‌طور کلی، با نگاه به این رژیم‌ها در می‌یابیم که ویژگی مشترکشان، «استفاده از نهادهای دموکراتیک اسمی است». با وجود استفاده از این نهادها، رژیم‌های فوق، هرگز نتوانسته‌اند مطابق با استانداردهای دموکراسی عمل کنند؛ همین عامل نیز، باعث شده است که چنین رژیم‌هایی دارای سطوح بالاتری از ناآرامی‌های سیاسی نسبت به رژیم‌های بدون انتخابات داشته باشند. با این تفاسیر، تمرکز این مطالعه، بررسی و تحلیل سازوکارهایی است تا از طریق آن‌ها به چگونگی نظام سیاسی ایران پی ببریم.</p> <p>در این پژوهش، برای بررسی چارچوب نظری در بستر رژیم اقتدارگرای انتخاباتی ایران، از روش تحقیق کیفی استفاده می‌کنم. با در نظر گرفتن این موضوع، این پایان‌نامه به لحاظ نظری در ادبیات جنبش‌های اجتماعی، و به لحاظ تجربی در راهبردهای دموکراسیزاسیون رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی قرار می‌گیرد. با این تفاسیر، سعی می‌کنم با استفاده از تز «ناجنبش‌های جهت‌دار»، چارچوب ناآرامی‌های سیاسی را بسط دهم تا آن را به صورت عملی، در بسترهای انتخاب شده بررسی کنم.</p> <p>در فصل چهارم که تجزیه و تحلیل در آن صورت می‌گیرد؛ به لحاظ ساختاری به چند بخش تقسیم می‌شود: بخش اول، تحول رژیم سیاسی در ایران را مورد بحث قرار می‌دهم؛ در بخش دوم، علاوه بر شناسایی دوره اقتدارگرایی انتخاباتی، ویژگی‌های اقتدارگرایی انتخاباتی را با کشور مدنظر تطبیق می‌دهم؛ در بخش سوم، از چارچوب نظری «غیرجنبش‌های جهت‌دار» و جنبش‌های اجتماعی استفاده می‌کنم تا چگونگی ناآرامی‌های سیاسی را درک کنیم؛ و در بخش چهارم و پایانی، از ارتباط راهبردهای مشروعیت‌بخش و نظام سیاسی هدف می‌گوییم.</p> <p>به‌طور کلی، جمهوری اسلامی ایران در مسیر پرتلاطم خود، ناهنجاری‌ها و چالش‌های متعددی در سیاست داخلی و خارجی تحمل کرده است؛ به‌طوری‌که، علیرغم مواجهه با مخالفت‌های داخلی و خصومت‌های خارجی، توانسته است دوام بیاورد. منتهای مراتب، امروزه جمهوری اسلامی بر سر یک دوراهی قرار گرفته است؛ یا باید</p>							<p>بیان مسئله:</p>

در سیاستگذاری‌هایش تجدید نظر کند و یا با آینده‌ای روبرو شود که ممکن است پر از آشوب باشد. حقیقتاً، الزامات درهم تنیده حفظ رژیم، بازدارندگی از تهدیدهای خارجی، توسعه داخلی و سیاست‌های امنیتی؛ قرار است مسیر آینده ایران را تعیین کنند.

واژگان کلیدی: ناآرامی‌های سیاسی، اقتدارگرایی انتخاباتی، رژیم سیاسی، خاورمیانه، دموکراسی

Contemporary authoritarianism can be understood under the title of "electoral authoritarianism"; The simplest definition of this type of authoritarianism is defined as: "When a democratic veneer covers the facade of authoritarian government." In general, by looking at these regimes, we find that their common feature is "the use of nominal democratic institutions". Despite using these institutions, the above regimes have never been able to act in accordance with the standards of democracy; This factor has also caused such regimes to have higher levels of political unrest than regimes without elections. With these interpretations, the focus of this study is to investigate and analyze mechanisms to understand the Iranian political system.

In this research, I use the qualitative research method to investigate the theoretical framework in the framework of Iran's electoral authoritarian regime. Considering this issue, this thesis is theoretically placed in the literature of social movements and empirically in the democratization strategies of electoral authoritarian regimes. With these interpretations, I try to expand the framework of political unrest by using the thesis of "Non movements" in order to investigate it practically in selected areas.

In the fourth chapter, where the analysis takes place; In terms of structure, it is divided into several parts: the first part, I discuss the evolution of the political regime in Iran; In the second part, in addition to identifying the period of electoral authoritarianism, I compare the features of electoral authoritarianism with Iran; In the third part, I use the theoretical framework of "directional non-movements" and social movements to understand how political unrest; And in the fourth and final section, I will talk about the relationship between legitimizing strategies and the political system.

In general, the Islamic Republic of Iran has endured many anomalies and challenges in its domestic and foreign policy in its turbulent path; So that, despite facing domestic opposition and foreign hostility, it has been able to survive. Finally, the Islamic Republic is at a crossroads today; Islamic Republic of Iran, must either reconsider her policies or face a future that may be full of chaos. Indeed, the intertwined requirements of regime preservation, deterrence from external threats, domestic development and security policies; They are supposed to determine Iran's future path.

Keywords: political unrest, electoral authoritarianism, political regime, Middle East, democracy

این پژوهش به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی و به لحاظ شیوه گردآوری، اسنادی از نوع کتابخانه‌ای است. درنهایت، با توجه به تعاریف نظری و عملیاتی و استخراج شاخص‌های معین برای ناآرامی‌های سیاسی در

روش پژوهش:

<p>رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی خاورمیانه و همچنین با بهره‌گیری از آمارهای بین‌المللی در خصوص این شاخص‌ها، پژوهش کنونی به شکل توصیفی و تحلیلی، جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کند.</p>	
<p style="text-align: right;">پرسش‌های اصلی پژوهش</p> <ul style="list-style-type: none"> • یک؛ دلایل بروز ناآرامی‌های سیاسی در کشورهای اقتدارگرای انتخاباتی (ایران) چیست؟ • دو؛ آیا ناآرامی‌های سیاسی در رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی، منجر به تغییر می‌شوند؟ <p style="text-align: right;">پرسش‌های فرعی</p> <ul style="list-style-type: none"> • یک؛ چگونه رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی، به حکومت خود مشروعیت می‌بخشند؟ • دو؛ رژیم‌های اقتدارگرا به لحاظ زیرساخت‌های سازمانی و رویه‌ها، چگونه عمل می‌کنند؟ • سه؛ آیا جمهوری اسلامی ایران، اقتدارگرای انتخاباتی محسوب می‌شود؟ <p style="text-align: right;">فرضیه‌های پژوهش</p> <ul style="list-style-type: none"> • فرضیه یک؛ کمبود آزادی‌های مدنی-سیاسی، سازوکار ناعادلانه انتخابات و تصمیم‌سازی‌های توجیه ناشدنی مدیریتی، دلایل بروز ناآرامی‌های سیاسی در ایران را تشکیل می‌دهند. • فرضیه دو؛ رژیم‌های اقتدارگرای انتخاباتی، با اتکای برگسترش نقش ائتلاف موافق رژیم موجود، سرکوب‌های نهادینه آشکار و پنهان، جذب معترضان کم خطر در بدنه سیاسی و گسترش محدود آزادی‌های مدنی-سیاسی، ناآرامی‌های سیاسی را اداره می‌کنند. 	<p>سئوال و فرضیه تحقیق:</p> <p>روند پژوهش:</p>
<p>شکل‌گیری اقتدارگرایی انتخاباتی در رژیم‌های سیاسی خاورمیانه، پدیده‌ای جدید تلقی می‌گردد که توأم با ناآرامی‌های سیاسی برآمده در بستر آن، به مطالعات کنونی سیاسی، روح تازه‌ای دمیده است. بر این اساس، پژوهش حاضر این موضوع بدیع را با توجه به شرایط و تحولات اخیر ایران مطالعه می‌کند. در این معنا، می‌توان نوآوری را در توجه به نظام سیاسی ایران، به لحاظ وجود ناآرامی‌های سیاسی و چگونگی اداره این ناآرامی‌ها دانست. همچنین، در متون فارسی دانشگاهی، تاکنون بطور علمی، ایران مورد بررسی قرار نگرفته است.</p>	<p>مهمترین یافته‌ها :</p>

تأیید استاد راهنما

